

وحی و فلسفه؛ دوروی سکه تفسیر قرآن ملاصدرا



به گفته روستوم، ملاصدرا برای بیان مسائل تکاملی انسان، ابزار فلسفه مشائی را چندان کارآمد نمی‌داند و منطق قرآن و وحی را به عنوان فاعل شناسای متقن در بحث خود دخیل می‌کند و منظر فلسفی را با منظر وحیانی، دو روی یک سکه می‌داند.

به گفته روستوم، ملاصدرا برای بیان مسائل تکاملی انسان، ابزار فلسفه مشائی را چندان کارآمد نمی‌داند و منطق قرآن و وحی را به عنوان فاعل شناسای متقن در بحث خود دخیل می‌کند و منظر فلسفی را با منظر وحیانی، دو روی یک سکه می‌داند.

محمد روستوم، استاد دانشگاه کارلتون کانادا در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) در خصوص مشرب فلسفی ملاصدرا گفت: از نظر تاریخی در خصوص دیدگاه‌های ملاصدرا، در سطح وسیعی وابسته به نوع تعریف ماست. به عنوان مثال، سؤال است که آیا ملاصدرا عارف است یا فیلسوف. می‌شود تلاش کرد که ملاصدرا را عارف یا فیلسوف نشان داد، ولی در ابتدا باید یک تعریف خوب و جامع و مانع از فلسفه یا عرفان به دست داد.

وی گفت: تحقیقات غربی درباره خود متفکرین اسلامی حرفی ندارند و روشی هم برای شناسایی آن‌ها وجود ندارد. بسیاری از فیلسوفان اسلامی در ارتباط با وحی سخن می‌گویند و جایگاه والایی برای وحی در نظر می‌گیرند. مسلمانان از کتاب الهی خود در دوران معاصر جدا نشده‌اند و قرآن در پیشانی کارشان است و این در حالی است که متفکران یهودی و مسیحی و سایر ادیان از کتاب خود جدا شده‌اند.

وی افزود: کسانی که به فیلسوفان اسلامی نگاه می‌کنند، به همین دلیل که به آموزه‌های دینی خود بی‌توجه هستند، توجه به قرآن برایشان بی‌معنی است. یکی از دلایلی که محققین غربی نسبت به توجه به قرآن در مسائل فلسفی، فیلسوفان اسلامی وامانده‌اند، این است که آن‌ها مباحث فلسفی را دارای اصلی یونانی می‌دانند و بین فلسفه و قرآن ارتباطی نمی‌بینند.

مواجهه محققین غربی با ملاصدرا

این استاد دانشگاه کارلتون کانادا عنوان کرد: رهیافت ملاصدرا و پرسش‌های فلسفی وی در غرب مورد سنجش قرار گرفت ولیکن ابعاد تعبدی وی توجهی را به خود جلب نکرده است و دلیل آن این است که منظر جامعی برای نگاه به سنت اسلامی لازم است که کارکرد آن در فلسفه به این واسطه توجه شود. ملاصدرا یک نقطه کلیدی در معرفت تفسیری اسلامی است. وی از کلام شیعی و سنی، عرفان و... در تفسیر خود بهره برده است.

وی اظهار کرد: شرح و تفسیر ملاصدرا از قرآن نه تنها شرح و تفسیری از تاریخ فلسفه و تاریخ تفکر است، بلکه نشان دهنده این است که زمینه‌های مشترکی بین این دو وجود دارد. تفسیر ملاصدرا جامع‌ترین تفسیری است که تا آن زمان وجود دارد و شاید پیش از وی کسی تفسیری از قرآن به این جامعی هم از نظر محتوا و هم از نظر میزان نوشته باشد.

ملاصدرا و مواجهه با دنیای معاصر

وی تصریح کرد: آن چیزی که در تفسیرهای ملاصدرا دارای اهمیت است، بیان فلسفی و سمبلیک وی در قرآن است که نوعی ملموس بودن را در تفسیر قرآن ایجاد می‌کند و این چیزی است که در دیگر آثار ملاصدرا نیست. در «اسفار» می‌بینیم که در مرحله اول مباحث بسیار شخصی و فردی است ولیکن در سفرهای بعدی صحبت از قیامت و جهان است که با بیان علم منطق هم همراه نیست. این خود نشان‌گر مواجهه ملاصدرا با وحی است که تکامل انسان را به این شکل تبیین می‌کند.

روستوم خاطرنشان کرد: ملاصدرا برای بیان مسائل تکاملی انسان، می‌بیند که دیگر ابزار فلسفه مشائی آن چنان به کارش نمی‌آید و به سراغ منطق دیگری که قرآن است، می‌رود و وحی را به عنوان فاعل شناسای متقن در بحث خود دخیل می‌کند. بنابراین ملاصدرا تلاش می‌کند تا منظر فلسفی را با منظر وحیانی، دو روی یک سکه بداند.

وی گفت: ملاصدرا در آثار خود به دنبال این است که فلسفه را به قرآن نزدیک کند و به این واسطه بتواند با تعدیل منظر فلسفی خود در محضر قرآن، به انسان امروزی نزدیک شود. این که یک مکتب فلسفی در مواجهه با قرآن تعدیل شود، برای مواجهه امروزی ما با قرآن بسیار مهم است و باعث می‌شود تا انسان همه چیز را فلسفی نگاه نکند.

این متخصص مطالعات اسلامی و فلسفه اسلامی بیان کرد: در تفسیر ملاصدرا، وجود امری تشکیکی است که ذومراتب است، بنابراین بین قرآن به مثابه کلام خدا و قرآن به عنوان نحوی از وجود هم همین قاعده برقرار است و بین مراتب وجودی آن ارتباط وجود دارد. گرچه قرآن در واقع یکی است، ولی در نزول خود مراتب مختلف یافته است. پس قرآنی که منزل خداست در هر نشئه‌ای نامی و جایی دارد و این همان چیزی است که باعث می‌شود بفهمیم قرآن در عصر کنونی نیز صاحب جایگاه والاست.

وی عنوان کرد: قرآن کتاب طبیعت است، کتاب آرامش نهادها و موجودات است. اگر به قرآن دقیق نگاه کنیم، می‌بینیم که یکی

از انجای وجود است و هر کدام از آیات نشان‌گر نشأت وجودی است. قرآن به بیان خود قرآن کتابی است که هر چه در آیات آن عمیق‌تر شویم، به همان اندازه هم در مراتب وجودی خود عمیق شده‌ایم. پس همه این‌ها وابسته به نفس انسان است و آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که ارتباط نفس و کیهان را نشان می‌دهد.

وی در پایان گفت: ملاصدرا در نظر هرمونوتیکی خود در مواجهه قرآن با انسان معاصر و حضور قرآن در جهان معاصر این نظر را دارد که باید آیات قرآن را از ابتدا در خود جستجو کرد. ارتباط عمیقی بین نفس وجودی فرد و کیهان وجودی برقرار است. در این رویکرد است که حضور قرآن در همه عرصه‌های دنیای معاصر ملموس می‌شود.